

شناسنامه

عنوان: بررسی بخش فرهنگی اجتماعی در برنامه اول و دوم توسعه

صاحب کار: محمدرضا جوادی یگانه

تنظیم کننده: واحد مطالعات

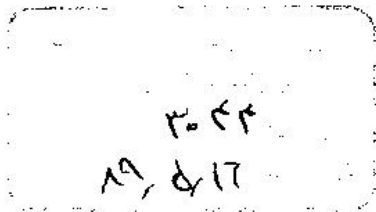
حروفچین: دودانگه

تاریخ حروفچینی: ۱۳۷۷

ملاحظات: این کار حروفچینی و اصلاح گردیده است.

اداره کل ریسرچ انستیتوت فرهنگی

۱۷۴۶  
۳۰۴۴



## ۱- مقدمه

این مقاله به قصد نقد و بررسی بخش فرهنگی اجتماعی<sup>(۱)</sup> در دو برنامه اول و دوم توسعه اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است.

اگر توسعه را تخصیص منابع طبیعی، انسانی و سیاسی جامعه بین زمینه‌های مختلف تولید برای تحقق اهداف بلند مدت اجتماعی اقتصادی تعریف کنیم و این اهداف را شامل پاسخگویی به نیازهای جسمانی، روانی، فکری و روحی مردم و کمک به شکوفایی استعداد خودیابی آنها بدانیم که همه وجوه حیات اجتماعی یک ملت را در برمی‌گیرد، در این صورت برنامه توسعه نیز باید اهداف را در همه وجوه حیات اجتماعی یک ملت مدنظر داشته باشد. برنامه توسعه قصد تغییر وضع موجود و رساندن جامعه به وضع مطلوب را دارد. پارسونز معتقد است یکی از شروط آنکه تغییر بر تعادل غلبه کند، آن است که عوامل تغییر باید در سلسله مراتب سیبرنتیک به بالاترین سطح ارتقا پیدا کنند، یعنی به سطح نمادها و ارزش‌ها برسد، جایی که نیرومندترین نیروهای نظارت و کنترل جامعه مستقر شده‌اند. در نتیجه، اگر جهان ارزشها از تأثیر تنش‌ها مصون مانده باشد و با نیروهای تغییر هم پیمان نشده باشد، احتمال آن می‌رود که نیروهای مقاومت در برابر تغییر سرانجام پیروز شوند. در همین جهان ارزش‌هاست که الگوهای رفتاری نو

---

۱- بدلیل نزدیکی بیش از حد مقوله اجتماعی و فرهنگی و عدم امکان واقعی تفکیک آنها از هم، در این

مقاله هر جا سخن از بخش فرهنگی در برنامه‌های توسعه است و منظور بخش‌های فرهنگی اجتماعی است

که توضیح آن به تفصیل خواهد آمد.

و هنجارها باید منبع الهام خود را بیابند، درست مانند الگوها و هنجارهای قدیمی، در برنامه توسعه نیز، چنانچه ارزش‌ها و هنجارها در سطح جامعه هدف‌گیری نشده باشد، احتمال زیادی می‌رود که برنامه توسعه در رسیدن به اهداف خویش موفق نشود و لذا در برنامه توسعه باید مهمترین تأکید بر تغییر نمادها و ارزش‌ها در جهت تحقق توسعه باشد.

اگر مهمترین بخش برنامه توسعه، باید بخش فرهنگی آن باشد، سؤال اصلی این مقایسه این است که آیا در برنامه اول و دوم توسعه نیز اینگونه بوده است یا خیر و نیز میزان تأکید بر بخش فرهنگی در مقایسه با سایر بخش‌ها چقدر است برای پاسخ به این سؤال ابتدا توضیح مختصری دربارهٔ اجزاء برنامه اول و دوم ذکر می‌شود. آنگاه بخش فرهنگ در مقایسه با سایر بخش‌ها در برنامه توسعه بررسی می‌شود سپس میزان تحقق پذیری اهداف فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

## ۲- اجزاء برنامه اول و دوم توسعه

برنامه اول و دوم توسعه شامل بخش‌های زیر است

تبصره‌ها: تبصره‌ها همان قانون برنامه است که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و آنچه عملاً مورد اجرا قرار گرفته، همین تبصره‌هاست و لذا است که در متن برنامه نیز از این تبصره‌ها به «قانون و برنامه» تعبیر شده است.

- هدف‌های کلی: (که در برنامه دوم با عنوان هدف‌های کلان کیفی ذکر شده است) شامل کلی‌ترین هدف‌هایی است که برنامه توسعه قصد رسیدن به آن را دارد. اهداف کلی در هر برنامه توسعه قاعده‌تاً متناسب با تعریفی است که مدنظر طراحان برنامه توسعه بوده است.

- خط مشی‌ها: هدف‌های واسطی است برای رسیدن به اهداف کلی... در برنامه توسعه، در بخش خط مشی‌ها ابتدا هدف کلی آمده است و سپس خط مشی‌های مرتبط با آن هدف ذکر شده است.

- تصویر کلان برنامه: شامل پیش‌بینی‌های کلان در سال‌های برنامه است که بخش‌های

مخلقی چون جمعیت رشد اقتصادی و تحولات ساختار اقتصادی بودجه و وضع مالی دولت، حجم نقدینگی و نرخ تورم، تجارت خارجی، نیروی انسانی و اشتغال را در برنامه دوم چنین بخشی موجود نیست.

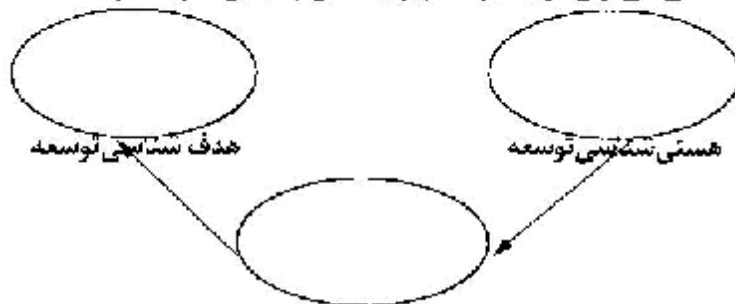
- هدف‌های کلی کلان: تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری، درآمدهای دولت، کسری بودجه، نرخ باروری، نرخ اشتغال و نرخ نقدینگی را بررسی می‌کنند.

- سیاست‌های کلان: سیاست‌های کلی در برنامه اول شامل ۱۱ سیاست است که همه آن سیاست‌های اقتصادی هستند و در برنامه دوم تحت عناوینی چون تجارت خارجی، سیاست پولی و تنظیم بازار، سیاست مالی، سیاست‌های عمومی، جمعیت، اشتغال و نیروی انسانی، سیاست‌های پرسنلی بخش دولتی و قیمت‌گذاری تنظیم شده‌اند.

- جداول پیوست: بیش بینی ترکیب ناخالص داخلی در برنامه پنج‌ساله، هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری در برنامه پنج‌ساله تصویر سرمایه‌گذاری ثابت طی برنامه، خلاصه بودجه عمومی دولت، تصویر اعتبارات جاری و عمرانی، منابع و مصارف ارزی کشور طی برنامه، ترازنامه تلقیقی سیستم بانکی و شاخص بهزی کالای و خدمات مصرفی، تحول اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی و رشد و تحول بهره‌وری سرانه کار است.

### ۳- میزان تأکید بر بخش فرهنگی

از یک دیدگاه کلی می‌توان فرایند برنامه‌ریزی علمی را چنین تعریف کرد.



## امکان‌شناسی توسعه

در بخش هستی‌شناسی توسعه، امکانات توسعه در دو بخش مقدرات یا عوامل و محدودیت‌ها یا موانع بررسی می‌شود. تحقق اهداف موعود و مشروط به شناخت علل و موانع و تقویت مقدرات و دفع موانع است. این شناخت کاری علمی است و لذا شناخت علمی وضعیت گذشته و حال پیش‌نیاز برنامه ریزی علمی است. اگر در فرآیند برنامه ریزی فقط به وضعیت فعلی توجه شود و اهداف منظور نباشد، برنامه ریزی وضعیتی این‌وقتی پیدا می‌کند. برای گریز از این حالت، باید علاوه بر هستی‌شناسی توسعه، دو بخش دیگر را نیز در نظر گرفت.

هدف‌شناسی توسعه، معرف بخش‌های اجرایی توسعه است، یعنی رهبری جامعه با توجه به ایدئولوژی حاکم بر نظام، اهداف را تعیین می‌کند منتهی اگر در انتخاب اهداف، فقط به اهداف توجه شود و امکانات و شرایط تحقق آن ملحوظ نشود، برنامه ریزی خصلتی هنجارگرایانه شعاری پیدا می‌کند.

امکان‌شناسی توسعه، یعنی انتخاب اهداف متناسب با امکانات کاری علمی است. تلفیق بین اهداف و امکانات و ترکیب آنها است که به برنامه ریزی خصلتی علمی می‌دهد.

اگر از این دیدگاه سه‌گانه، هیچ شناختی از وضعیت فعلی (هستی‌شناسی) بخش فرهنگی نداشته‌اند و در تصویر کلان برنامه هدف‌های کمی کلان، سیاست‌های کلی و جداول پیوست، هیچ جا نشانی از وضعیت فعلی و آتی فرهنگ در دست نیست. تنها بعدی که تا حدی به بخش

فرهنگی نزدیک می‌شود، رشد جمعیت و پیش بینی آن است. و اگر از وضعیت فرهنگی جامعه، اطلاعات موجود نباشد، برنامه توسعه اصولاً بر پایه نستی بنا می‌شود و هرگز نمی‌تواند در بخش فرهنگی موفق شود. اگر اطلاعات کلان و کمی در بخش فرهنگی در دسترس نیست، پس تمام شناخت برنامه ریزان و تصویب کنندگان برنامه توسعه، به استنباط یا شناخت محدود و جزای آنها از جامعه برمی‌گردد و ممکن است این شناخت، از آنجا که به مشاهدات موردی برمی‌گردد قابل تعمیم به کل جامعه نباشد و کل جامعه وضعیت متفاوت از این مشاهدات داشته باشد و لذا این شناخت ممکن است نه تنها ناقص و محدود، بلکه غیر واقعی و غلط باشد. به عنوان مثال، مشاهدات و نتایج پژوهش‌ها در سطح شهر تهران، درباره وضعیت اعتقادات دینی مردم، میزان بالای از اعتقاد مذهبی و ته فرائض مذهبی را نشان می‌دهد. ولی مصاحبه‌ها و سخنان برنامه ریزان فرهنگی و متولیات بخش‌های مختلف و متعدد فرهنگی، مدعایی جز این دارد. در مورد سایر ابعاد فرهنگی نیز چنین وضعیتی حاکم است و شناخت کمی و دقیق از وضعیت فرهنگی جامعه در دست طراحان برنامه توسعه نبوده است.

در بخش هدف‌شناسی نیز، آنچه برای طراحان برنامه توسعه، به عنوان اهداف فرهنگی مطرح بود. تنها در قالب مفاهیم کمی تعریف شده و هرگز به صورت کلی مشخص نشده است. اما در بخش‌های اقتصادی، آنچه برنامه می‌خواهد از آن شروع کند و آنچه می‌خواهد به آن برسد، به صورت عدد و رقم مشخص است، صرف نظر از اینکه این اعداد اولیه تا چه حد درست است و اعداد پیش بینی شده تا چه حد واقع بینانه و علمی است.

وقتی که هیچ اطلاعاتی از وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب فرهنگی در دسترس نباشد، بحث از شناخت امکانات و وسایل لازم برای رسیدن به توسعه نیز بی‌فایده خواهد بود. در هر حال، بایک

نتیجه گیری اولیه، در می یابیم که اصولاً هیچگونه برنامه ریزی علمی برای توسعه فرهنگی در دو برنامه اول و دوم توسعه موجود نبوده است.

اما، بحث از توسعه فرهنگی، به صورت غیر علمی آن، چه در عنوان برنامه - توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی کشور، و چه در اهداف مطرح شده است. همانطور که گفته شد، در بخش های تصویر کلان برنامه هدف های کمی کلان سیاست های کلی و جداول پیوست هیچ بحثی از فرهنگ به میان نیامده است. بنابراین، این تحلیل عمدتاً روی سه بخش اهداف کلان، خط مشی ها و تبصره ها است.

در برنامه توسعه، اهدافی برای توسعه ذکر شده است این اهداف شامل اهداف غائی و کلان و خط مشی ها - اهداف واسطه - است. در برنامه توسعه، برای هر هدف، خط مشی های مربوط به آن نیز ذکر شده است و لذا ارتباط دادن اهداف واسطه غائی چندان دشوار نیست. اما در برابر هر خط مشی، تبصره ای که راهکار اجرایی آن خط مشی را نشان دهد، ذکر نشده است و بنابراین ارتباط دادن خط مشی ها و تبصره ها مشکل است. تبصره ها، یا وسایل دستیابی به اهداف در برنامه توسعه، به صورت مجزای از اهداف غائی و واسطه، در ابتدال برنامه ذکر شده است. بنابراین برای هر خط مشی باید دنبال تبصره ای بود که مرتبط با آن خط مشی باشد. برای بسیاری از خط مشی ها، هیچ تبصره ای در نظر گرفته نشده است و لذا این خط مشی ها تحقق ناپذیر مانده اند. از طرف دیگر، در موارد زیادی، یک تبصره به بیش از یک خط مشی ارجاع داده شده است.

اجزاء برنامه اول و دوم در جدول شماره ۱ مشخص شده است.

جدول شماره ۱

فراوانی اجزای برنامه در برنامه اول و دوم

برنامه	اول	دوم
اجزای کلی	۱۰	۱۶
خط مشی	۱۳۶	۲۲۰
تبصره	۵۲	۱۰۱
تعداد خط‌مشی‌ها برای هر هدف کلی	۱۳/۶	۱۳/۸
تعداد تبصره برای هر خط‌مشی	۰/۳۸	۰/۴۵

مشاهده می‌شود که در برنامه اول برای هر خط‌مشی ۳۸/۰ = تبصره ذکر شده و در برنامه دوم برای هر خط‌مشی ۴۵/۰ تبصره ذکر شده است. اگر تبصره‌ها را وسایل نیل به اهداف در نظر بگیریم و اهداف و خط‌مشی‌ها را اهداف کلی و اهداف واسط بدانیم، آنگاه فرض منطقی این است که برای هر هدفی - کلی یا واسط - لااقل باید یک وسیله یا راهکار نیل به هدف تعریف شده باشد، در غیر اینصورت مسلم است که تعداد زیادی از اهداف برنامه اصولاً تحقق‌ناشدنی است و بین اهداف محقق نخواهد شد. این نکته زمانی بیشتر روش خواهد شد که در برنامه، برای موارد جزئی همچون حذف بیست‌نامه‌رسانی‌های غیر ضروری، تبصره مجزا آورده شده (تبصره ۴۰ برنامه اول) و حال آنکه بسیاری از خطر‌مشی‌های ذکر شده در برنامه مجال خود را نداشته‌اند و هیچ تبصره برای آن ذکر نشده است. بنابراین وقتی سطح برنامه ریزی چنین موارد ریزی را در بر می‌گیرد، برای تمام خط‌مشی‌ها باید راهکارهای اجرایی و تبصره ذکر شود.



این نکته غیر قابل توجه است که خط مشی‌هایی که هیچ تبصره‌ای برای آن ذکر نشده، میزان زیادی را در دو برنامه بخود اختصاص می‌دهند. چنانچه ۹۴ خط مشی در برنامه اول و ۶۴ خط‌مشی در برنامه دوم، به هیچ تبصره‌ای نمی‌توانند برگردند و هیچ راهکار اجرایی برای آنها ذکر نشده است. یعنی برای نزدیک به ۷۰٪ از خط‌مشی‌های ذکر شده در برنامه اول، هیچ راهکار اجرایی پیش‌بینی نشده است و همین امر نشان‌دهنده آن است که خود بخود ۷۰٪ از اهداف واسط برنامه متحقق نخواهد شد و به ضریق اولی، حداقل ۷۰٪ از اهداف کلان برنامه اول متحقق شدنی نبوده است. وقتی ۷۰٪ از اهداف برنامه قابل تحقق نباشد و در نحوه تحقق سایر اهداف نیز جای شک باشد، ضعف‌های جدی فرآیند برنامه ریزی علمی در ایران روشن می‌شود. این میزان در برنامه دوم به مراتب کمتر است و حدود ۳۰٪ از خط‌مشی‌های برنامه دوم بدون تبصره و راهکار اجرایی هستند و البته ۳۰٪ یعنی یک سوم برنامه، بنابراین در برنامه دوم نیز یک سوم از اهداف به همین شیوه متحقق نخواهد شد.

جدول ۲: نشان‌دهنده نسبت اهداف، خط‌مشی‌ها و تبصره‌های مرتبط با بخش فرهنگی در دو برنامه توسعه در مقایسه با تمام بخش‌ها است.

جدول شماره ۲

نسبت فراوانی بخش فرهنگی در مقایسه با سایر بخش‌ها در دو برنامه توسعه

اجزاء	برنامه	اول	دوم
اهداف کلی		۱۰٪	۱۶٪
خط‌مشی		۱۴/۷٪	۲۵/۴٪
تبصره‌ها		۳۲/۶٪	۱۹/۸٪
تبصره‌ها (اصلاح شده)		۳۶/۱٪	۳۷/۲٪

در برنامه اول تنها ۱۰٪ از اهداف کلی فرهنگی است و سایر اهداف به بخش های اقتصادی یا سیاسی برمی گردد و در برنامه دوم این نسبت بیشتر شده و به ۲۵٪ رسیده است و یکی از علل این افزایش، توجه بیشتر تصمیم گیرندگان نسبت به مقوله فرهنگ و تأکید مقام معظم رهبری بر تهاجم فرهنگی بوده است و این افزایش نسبت در خط مشی ها و تبصره ها نیز حاکم است و در برنامه دوم تقریباً یک چهارم برنامه به مقوله های فرهنگی برمی گردد.

از آنجا که در برنامه اول و دوم توسعه، هر تبصره به بیش از یک خط مشی ارجاع داشته و گاهی در برنامه دوم یک تبصره به چهار خط مشی مرتبط می شده است، لذا این تعداد تبصره (۳۲٪) در برنامه اول و ۱۹/۸٪ در برنامه دوم) به تعداد تبصره هایی که برمی گردد که در مجموع به مقوله توسعه فرهنگی ارتباط داشته است و اگر یک تبصره به بیش از یک خط مشی نیز ارجاع داشته، تنها یک بار محاسبه شده است. و چنانچه هر تعداد باری که یک تبصره برای خط مشی ها ذکر شده را محاسبه می کنیم، مشاهده می شود که در برنامه اول، نسبت تبصره های فرهنگی به کل تبصره ها ۲۶/۱٪ و در برنامه دوم ۲۷/۳٪ بوده است که این نسبت صحیح تر از نسبت های اولیه است.

#### ۴- میزان تحقق پذیر بودن توسعه فرهنگی

گفته شد که در برنامه توسعه، باید برای هر خط مشی - راهکار اجرایی مشخص ذکر شود. اما در برنامه اول و دوم توسعه، نسبت زیادی از خط مشی ها - و به تبع آن، اهداف کلی - بدنیلی آنکه تبصره ای به آن ارجاع داده نشده است. امکان تحقق ندارند و البته این امر به معنای آن نیست که سایر اهداف برنامه متحقق شده اند، بلکه معنای آن این است که سایر اهداف برنامه قبایل

تحقق هستند و می‌توان در عمل به جستجوی آن بود که آیا تحقق یافته‌اند یا خیر، ولی اهداف تحقق‌ناپذیر بدون تبصره و راهکار اجرایی - به هیچ وجه محقق نخواهند شد. در بخش فرهنگی، میزان اهداف تحقق‌ناپذیر در برنامه اول، ۶۰ خط مشی از ۲۰ خط مشی ذکر شده در بخش فرهنگی است. یعنی برای ۵۰٪ از خط مشی‌های فرهنگی برنامه اول، هیچ تبصره‌ای ذکر نشده است و این یعنی نیمی از اهداف فرهنگی برنامه اول قابل تحقق نیستند. این میزان در برنامه دوم ۳۰٪ است و این کاهش یکی از مزیت‌های برنامه دوم نسبت به برنامه اول است. البته در برنامه دوم - برای مثال درباره ۲۰٪ اهداف فرهنگی باقیمانده نمی‌توان گفت که برای آن راهکار اجرایی مناسب طراحی شده؛ یا این راهکارها محقق شده‌اند، بلکه فقط در اینجا توقع این بود که برای هر خط مشی، یک راهکار مرتبط با آن ذکر شود.

در مورد خط مشی‌های تحقق‌پذیر نیز این نکته را می‌توان افزود که بسیاری از آنچه در اهداف آمده است، یا توجه به اینکه خط مشی‌ها عمدتاً در بردارندهٔ چنین هدف جزئی هستند. در تبصره‌ها ندیده گرفته شده است. به عنوان مثال خط مشی ۳-۴ - در برنامه اول چنین است:

۳-۴- پرورش روحیه احترام به قانون، نظم‌پذیری، تعاون و کارگردهی، احترام به قدامت و ارزش کار و فعالیت موله، صرفه‌جویی، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، حفظ قرابت خانواده و تقویت روحیهٔ مسؤلیت‌پذیری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی

درباره این خط مشی سؤال اول که طرح می‌شود این است که این عناصر جدای از هم که هر کدام یک هدف مستقل هستند چگونه در کنار هم جمع شده‌اند. حال آنکه باید هر هدف جزئی در این خط مشی، با دهها تبصره به صورت قابل اجرا در آید و نگاه تمام تبصره‌هایی که به این



خط مشی مرتبط می شوند، عبارتند از:

تبصره ۸۵: جذب همکاری و مشارکت بیشتر مردم در اجرای طرح های عمرانی دولت

تبصره ۱۳: جلوگیری از آلودگی صنایع آلوده کننده توسط کارخانجات

تبصره ۳۰: شورای عالی تعیین و بررسی الگوی مصرف

تبصره ۴۰: حذف یست نامه رسانی های غیر ضرور درازمدت

بنابراین از تحقق اهدافی مانند نظم پذیری، تعاون و کارگروهی، حفظ قرابت خانواده، مسؤلیت پذیری... به صورت کامل صرف نظر شده است. درباره سایر خط مشی های تحقق پذیر نیز می توان اینگونه بررسی کرد.

اما در برنامه اول، برای هدف کلی ۳ گسترش کمی و ارتقاء کیفی فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص به تربیت نسل جوان، خط مشی های زیر تحقق ناپذیر مانده اند.

۳-۳- افزایش کمی و کیفی تولید و بخش برنامه ها و افزایش پوشش جمعیتی و جغرافیایی صدا و سیما در راستای تأمین نیازهای برنامه توسعه به ویژه در زمینه آموزش های مستقیم و توجه بیشتر به جمعیت در سن تحمیل و نیازهای محلی و منطقه ای

۳-۸- اولویت دهن به ریشه کنی بی سوادی در اقشار مردم

۳-۱۲- حداکثر بهره برداری از ظرفیتهای علمی- فنی، تخصصی و

تحقیقاتی (کاربردی و بنیانی) کشور

۳-۱۳- تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به منظور اعتلای ادب و

## فرهنگ فارسی

۳-۱۴- همگانی کردن ورزش و گسترش فعالیتهای تربیت بدنی خاصه بین جوانان به منظور پرورش جسم و روح و پربار کردن اوقات فراغت عموم مردم

۳-۱۶- بهبود و گسترش و پژوهش، حفاظت، احیاء و استفاده مجدد و معرفی میراث فرهنگی کشور و آثار و ارزشهای فرهنگی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

۳-۱۷- ترویج نشر آثار و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی

۳-۱۸- مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با

حفظ شئون خانواده و ارزشهای منعالی شخصیت اسلامی زن

۳-۱۹- بسیج کلیه امکانات دستگاههای اجرایی ذیربط در جهت ریشه کنی

اعتیاد و مبارزه با مفاسد اجتماعی

۳-۲۰- ایجاد ارتباط عمیق بین دانشگاهی و مراکز آموزش عالی با بخشهای

تولید و تحقق در وزارتخانههای تولیدی و مؤسسات تحقیقاتی

در برنامه دوم نیز فهرست خط مشیهای تحقق پذیر به قرار زیر است:

در هدف کلی ۲) رشد فضایل براساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگی عمومی

جامعه) خط مشیهای:

۲-۶- پرورش روحیه مسؤولیت پذیری، نظم و انضباط و تعاون عمومی و همبستگی اجتماعی

۲-۱۰- پرورش روحیه همبستگی ملی و احترام به قانون و ارزشهای انقلاب اسلامی، حفظ

قداست خانواده و تقویت روحیه مسؤولیت پذیری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی

۲-۱۳- مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ

## شئون خانواده و ارزشهای تعالی شخصیت اسلامی زن

۱۷-۲- تقدم پرورش و آموزش در امور سياستگذاري و برنامه ريزي و اجراء در سطوح مختلف

آموزش در كل جامعه

در هدف كلي ۳ (هدايت جوانان و نوجوانان در عرصه‌هاي ايمان مذهبي، فرهنگ خودي، خلاقيت، علم، هنر و فن و تربيت بدني و مناسبات انساني، خانوادگي و اجتماعي و مشاركت در صحنه‌هاي فرهنگي، اجتماعي، سياسي و اقتصادي) خط مشي‌هاي:

۴-۳- ارتقاء بينش اعتقادي و سياسي در زمينه امامت و رهبري جامعه اسلامي

۶-۳- برنامه ريزي براي كشف و پرورش استعدادهاي درخشان و برجسته و

هدايت آنها در زمينه‌هاي مورد نياز کشور و جلوگیری از افزر مغزها

۸-۳ آشنا ساختن جوانان با علوم و فنون جديد توأم با تعهد نسبت به

ارزش‌هاي اسلامي

۱۰-۳- تقويت بنيه علمي و تفکر نقادانه و تشويق به مطالعه و کتابخواني

در هدف كلي ۵ (تربيت نيروي انساني مورد نياز)

۶-۵- برقراري رابطه هر چه بيشتر بين مراکز علمي تحقيقاتي کشور و مراکز

توليدي، صنعتي

۷-۵- بها دادن به آموزش‌هاي فني، حرفه‌اي و تربيت نيروي انساني ماهر و

نيمه ماهر و تکميل حلقه‌هاي مفقوده مورد نياز بخش‌هاي گوناگون در زمينه

نيروي انساني

۱۴-۵- تکيد بر فراهم نمودن زمينه‌هاي لازم و کافي براي رشد و تربيت نيروي

انسانی مناطق محروم و روستایی کشور

۱۵-۵- تقویت و گسترش آموزش‌های علمی- اقتصادی دانشجویان و؟

مسلمان خارجی در داخل کشور

۱۶-۵- ایجاد زمینه‌های لازم برای ارتقاء سطح علمی و فرهنگی و ارائه

تحلیل معلمان کشور

۱۲-۵- تقویت جنبه‌های فرهنگی دانش‌آموزان دانشجویان و تعمیق معرف

دینی و ارزش‌های اسلامی

۱۳-۵- بازنگری در سیستم آموزشی کشور، و به کارگیری اعتبارات در جهت

افزایش بازدهی علمی و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش

۱۸-۵- تأمین زمینه ایجاد کادر وسیع مدیران

در هدف کنی، تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم، خط مشی‌های:

۱- تشویق و حمایت از ایجاد تشکل‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف

۳-۸- گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

۴-۸- ایجاد شوراهای اسلامی استان و شهرستان و شهردهستان و روستا و

نظارت این شوراهای بر کلیه امور عمرانی، فرهنگی، اجرایی و اقتصادی محدود و

تأمین شوراها.

۶-۸- بکارگیری نیروهای لایق، امین و متعهد جهت نظارت مستمر بر اجرای

برنامه و جلوگیری از اعمال سلیقه‌های فردی و بخشی

همانطور که مشاهده می‌شود در بعضی موارد، عیناً آنچه در برنامه اول به عنوان خط مشی آورده

شده بود یا اضافه کردن یک کلمه «بیتوان» در برنامه دوم نیز آمده است و از آنجا که این خط مشی تحقق پذیر نیست، در تمام برنامه‌های توسعه بعدی نیز باید ذکر شود. (خط مشی ۱۸-۳ برنامه اول و ۱۲-۲ برنامه دوم)

در میان خط مشی‌های تحقق پذیر نیز، بسیاری از آنها تا حدودی قابل تحقق هستند. به عنوان مثال خط مشی ۱-۳ برنامه هم چنین است.

۱-۳- نقویت تفکر و گرایش‌های اسلامی، ایمان مذهبی، ترغیب به عمل

صالح، تشویق به انجام فرائض دینی و تنظیم شعائر مذهبی

و تمام تبصره‌هایی که به نحوی به آن می‌توانسته مرتبط شود، به قرار زیر است.

-تبصره ۲۹: گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی و مبارزه با تجمل گرایی و

اسراف و تبذیر

-تبصره ۶۰ بند «ج»: ایجاد تسهیلات لازم برای گشت‌های علمی، دینی،

فرهنگی، ورزشی و تفریحی برای جوانان

-تبصره ۶۰ بند «ل»: توسعه و تجهیز کانون‌های فرهنگی هنری مساجد

می‌توان مشاهده کرد که این سه تبصره در عمل تنها بخش‌های بسیار کوچکی از اهداف

خط مشی ۱-۳ را قابل تحقق می‌سازند و بنابراین در میان خط مشی‌های تحقق پذیر نیز حرف و

حدیث بسیار است که بررسی آن نیاز به صرف و تست فراوان و دقت زیاد دارد.

در ادامه فهرست اهداف کلی، خط مشی‌ها و تبصره‌های مرتبط با آن در بخش فرهنگی، فقط

با ذکر شماره‌های آنها آورده شود و از ذکر متن بدین طولانی شدن متن اجتناب شده و برای

بررسی بیشتر، باید به متن اصلی دو برنامه رجوع کرد.

جدول شماره (۳)



فهرست اهداف کلی، خط مشی‌ها و تبصره‌های بخش فرهنگی در برنامه اول

هدف کلی	خط مشی	تبصره
۳	۳-۱	۲۵
	۳-۲	۹۰ الف
		۱۰۰ ب
	۳-۳	—
	۳-۴	۸
		۱۳
		۳۰
		۴۰
	۳-۵	۱۴
		۱۲
		۲۶
	۳-۶	۶ بند ج
	۳-۷	۶ بند ج
	۳-۸	—
	۳-۹	۲۳
	۳-۱۰	۴۴
		۴۵
		۴۸
هدف کلی	خط مشی	تبصره

FA	F-11	F
FA		
—	F-12	
—	F-13	
—	F-14	
DI	F-15	
—	F-16	
—	F-17	
—	F-18	
—	F-19	
—	F-20	

جدول شماره ۴

فهرست اهداف کلی، خط مشی‌ها و تبصره‌ها در برنامه دوم

هدف کلی	خط مشی	تبصره
۲	۲-۱	۵۵
	۲-۲	۲۹ بند الف ۲۹ بند ب ۵۸
	۲-۳	۱۹ بند و قسمت ۸ ۵۷ بند ه و و ۶۵ بند ب
	۲-۴	۶۹ بند ب
	۲-۵	۲۹ بند الف
	۲-۶	—
	۲-۷	۵۸
	۲-۸	۱۹ بند و قسمت ۸ ۲۹ بند الف ۲۹ بند ب قسمت ۲
	۲-۹	۶۵۸
	۲-۱۰	—

هدف کلی	خط مشی	تبصره
۲	۲-۱۱	۶۰ بند ج ۶۷ بند الف ۶۷ بند ب ۶۸
	۲-۱۲	۶۵
	۲-۱۳	—
	۲-۱۴	۵۶
	۲-۱۵	۵۳
	۲-۱۶	۶ بند ل
	۲-۱۷	—
	۲-۱۸	۵۶ ۶۱ ۵۷
۳	۳-۱	۲۹ ۶۰ بند ج ۶۰ بند ل
	۳-۲	۲۹ ۶۰ بند ب ۶۰ بند د
	۳-۳	۵۷ بند ج
	۳-۴	—

هدف کلی	خط مشی	تبصره
۳	۳-۵	۵۸ ۶۱ ۶۰ بند ل ۸۴ بند الف
	۳-۶	—
	۳-۷	۵۶ ۶۰ بند ل ۸۴ بند الف
	۳-۸	—
	۳-۹	۹۵ بند ج ۸۰ ۶۰ بند هـ
	۳-۱۰	—
	۳-۱۱	۵۶
	۳-۱۲	۶۰ ۶۷ بند الف ۶۸
	۳-۱۳	۶۱ ۶۵ ۶۷ بند الف ۶۸

هدف کلی	خط مشی	تبصره
۳	۳-۱۴	۶۰ بند و - ز - ح - ط - ی ۶۰ بند الف
	۳-۱۵	۶۰ بند الف
۵	۵-۱	۳۶
	۵-۲	۹۰ بند الف ۹۰ بند ب ۹۱
	۵-۳	۸۷
	۵-۴	—
	۵-۵	۹۳
	۵-۶	—
	۵-۷	—
	۵-۸	۲۹ بند ب قسمت ۶
	۵-۹	۵۸
	۵-۱۰	۹۱
	۵-۱۱	۴۰
	۵-۱۲	—
	۵-۱۳	—
	۵-۱۴	—

تبصره	خط مشی	هدف کلی
—	۵-۱۵	۵
—	۵-۱۶	
۳۶	۵-۱۷	
—	۸-۱	۸
۶۰ بند الف ۶۰ بند ج	۸-۲	
—	۸-۳	
—	۸-۴	
۳۹ بند الف	۸-۵	
—	۸-۶	

فهرست محمول عنوان شده در صفحات قبلی نشان می‌دهد که توقع نگاه علمی و بررسی نحوه تفکر مطرح شده در برنامه توسعه توقع بیجان است، برنامه ریزان توسعه لااقل در بخش فرهنگی به کلی گویی و شعارهای مورد پسند جامعه و مجلس اکتفا کرده‌اند و لذا در بررسی علمی برنامه توسعه از هر نظر که نگریسته شود، برنامه توسعه، پر از اشکال و ایراد است و بیشتر به بودجه بندی شبیه است تا برنامه ریزی.

برای طراحی برنامه سوم، نگاه به برنامه‌های اول و دوم و نقد آن هیچ‌گرهی را نمی‌گشاید و باید از ابتدا شروع کرد و بنابراین که تاکنون برنامه توسعه فرهنگی در ایران پیاده نشده است، برای طراحی برنامه توسعه فرهنگی ابتدا، وضعیت فرهنگی جامعه، به صورت کلی در ابعاد مختلف، مشخص شود. البته کمی سازی مقولات فرهنگی پیچیده‌تر و پرانسجام‌تر از مقولات اقتصادی و سیاسی است ولی در هر حال کمی سازی آن، در برنامه ریزی برای توسعه فرهنگی، بسیار کارآ خواهد بود در ضمن برنامه را از لحاظ میزان موفقیت قابل نقد می‌سازد. شاید کمی سازی مقولات فرهنگی و اندازه‌گیری آنها برای برنامه سوم مقدور نباشد، ولی از اکنون ما باید به فکر برنامه چهارم بود.

اهداف کلی و کلان فرهنگی به صورت جامع و پیوسته بهم معطوف گردد و از اولویت‌های ارزشی در جامعه مشخص شود این اولویت‌های ارزشی باید محور وفاق جامعه متفکر کشور قرار گیرد و بنابراین باید در معرفی حک و اصلاح صاحب‌نظران قرار گیرد. این اهداف کلان باید با هم در دسترس باشد. از مورد مواردی که در کشور، اهداف فرهنگی به صورت مدون طراحی شده است، منشور تربیتی نسل جوان «باهمت شورای عالی جوانان است این منشور که درگیر یک ایراد جدی است و آن اینکه اهداف فرهنگی آن با هم جمع‌پذیر نیستند. یعنی عملاً برای انسان





معمولی، ممکن نیست که در همهٔ عرصه‌ها به اهداف مورد نظر دسترسی پیدا کند و لذا به صورت تک بعدی رشد می‌کند. بنابراین ابتدا باید اهداف و اولویت‌های ارزشی در سطح حداقل و ضروری مشخص شوند و آنگاه برای این اهداف کلان، اهداف واسط و جزئی‌تر مشخص شود. برخلاف تجربه برنامه اول و دوم، هر خط مشی تنها یک هدف را در برداشته باشد.

- برای اهداف کلان و خط مشی‌های مشخص شده، راهکارها و امکانات اجرایی عملی که قابل دسترسی باشد، طراحی شود. و تبصره‌ها در مقابل هر خط مشی آورده شوند و این تبصره بگونه‌ای باشد که در نهایت به آن هدف برسند و همه آن هدف را برآورده سازد.

تنها در این صورت است، که بعد از اتمام یک برنامه فرهنگی می‌توان از میزان موفقیت آن سخن گفت.

\* چارچوب کلی این مقاله، براساس راهنمایی دکتر عبدانہی و به سفارش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی است.

- «ایدئولوژی‌های حاکم بر برنامه اول و دوم توسعه» و در تکمیل تحقیق پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، ۱۳۷۷، نویسنده نگاشته شده است.